



عوامل مؤثر در رشد گرایشهای مذهبی در کودکان و نوجوانان

رساله‌های علمی انسانی

دکتر مهرداد کلانتری

"یونگ" بعد از میانسالی مرگ همه را متوجه او می‌سازد. اگر چه کسانی که از زمینه مطلوبی برخوردار بوده‌اند این مسیر را به سلامت طی خواهند کرد و کسانی که زمینه نامساعدی در گذشته و کودکی خود داشته‌اند ممکن است دچار تضادهای روانی شوند. هدف مقاله حاضر بررسی اجمالی عوامل مؤثر در رشد گرایشهای مذهبی در کودکان و نوجوانان با توجه به نقش خانواده است. قبل از شروع بحث

کودک فطرتاً پاک و خداجوی است. محیط مناسب می‌تواند این فطرت توحیدی را بارور و شکوفا سازد؛ در حالی که محیط نامناسب سدی در برابر رشد و تعالی او خواهد بود و یا موجب رشد معیوب، منحرف یا یک بعدی او خواهد شد. اما سرانجام "بازگشت همه به سوی اوست" و بنابه گفته روانکاو معروف

بهرتر است به برخی از "پیش فرض‌های" این مقاله توجه شود.

اولین فرض این است که عوامل متعددی در رفتار کودکان مؤثر است. خانواده، مدرسه و جامعه از یک طرف و عوامل زیستی و بیولوژیک از طرف دیگر رفتار کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این عوامل معمولاً به گونه‌ای در یکدیگر تنیده می‌شوند و روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند که مشخص کردن میزان تأثیر هر کدام از عوامل اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار به نظر می‌رسد. با وجود این از میان عوامل فوق، خانواده مهمترین نقش را در تربیت کودکان دارد، زیرا کودک در خانواده چشم به جهان باز می‌کند و اولین تجربه‌های زندگی او در خانواده و در روابط والدین و فرزندان شکل می‌گیرد. پدر و مادر اولین الگوهای فرزندان خود هستند و بسیاری از افراد ممکن است تا پایان عمر نسبت به آنچه که در خانواده آموخته‌اند وفادار بمانند.

فرضیه دوم این مقاله این است که کودکان رفتارهای مذهبی و غیر مذهبی را به شیوه‌های تقریباً یکسان و در درجه نخست در درون خانواده و در ارتباط با والدین و خواهران و برادران خود می‌آموزند. بنابراین با استفاده از قوانین یادگیری می‌توان رشد گرایشهای مذهبی را در کودکان تقویت یا تثبیت کرد، مشروط بر این که والدین خواهان چنین فرایندی باشند.

فرضیه سوم مقاله بر این اساس استوار است که بزرگترین هدیه‌ای که والدین و مربیان می‌توانند به کودکان خود بدهند این است که آنان را ابتدا متکی به خدا و سپس متکی به خود بار بیاورند؛ زیرا امروزه بسیار دیده و شنیده می‌شود که ریشه بسیاری از انحرافات،

کجرویها، بزهکاریها، اعتیادها، رفتارهای ضد اجتماعی، پوچ گرایها و بسیاری از مشکلات روانی - اجتماعی دیگر در ضعف گرایشهای مذهبی است. از طرف دیگر عدم اعتماد به نفس ریشه بسیاری از مشکلات روانی است. بنابراین هر پدر و مادر دلسوزی باید تلاش کند ارزشهای اصیل مذهبی را بتدریج و با توجه به رشد کودک و با استفاده از روشهای مناسب تقویت کند و همزمان بکوشد اعتماد به نفس فرزند خود را نیز آرام آرام افزایش دهد و فرزندان متکی به نفس، خداخواه و خداجوی بار بیاورد. چنین کودکانی قطعاً در زندگی خود افرادی موفق و بهترین سرمایه زندگی برای والدین و مربیان خود خواهند بود.

روشهای رشد گرایشهای مذهبی در کودکان

گرایشهای مذهبی به روشهای گوناگون در کودکان رشد می‌یابند. در مقاله حاضر بطور اجمال به روش مشاهده و الگوسازی، شرطی شدن پاسخی و شرطی شدن عاملی خواهیم پرداخت.

۱- مشاهده و الگوسازی

کودکان از همان اولین سالهای زندگی خود دارای استعداد قابل توجهی برای مشاهده، یادگیری و الگوسازی هستند. والدین معمولاً هنگامی که می‌بینند فرزند خردسال آنها رفتار، گفتار و حرکات آنان را تقلید می‌کند دچار تعجب می‌شوند، اما بندرت تلاش می‌کنند از این نیرو برای تربیت صحیح فرزند خود استفاده کنند. در واقع از سال دوم یا سوم زندگی کودک



است که والدین متوجه می‌شوند کودک کاملاً رفتار آنان را زیر نظر دارد، از آنان می‌آموزد و آموخته‌های خود را منعکس می‌کند. کودک دویا سه ساله ممکن است علاقه‌مند شود همراه پدر یا مادر خود وضو بگیرد و در کنار آنها به نماز بایستد و یا تنها به مشاهده پدر و مادر خود پرداخته، رکوع، سجود، و نیایش آنان را تقلید کند.

پدر و مادر آگاه باید اولین تقلیدها و همانندسازیهای مثبت فرزند خود را به فال نیک بگیرند و او را در مسیر مطلوب هدایت و تشویق کنند. در متون اسلامی ما نقل شده است گاهی که پیامبرگرامی اسلام (ص) به سجده می‌رفتند امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بازیکنان سوار بردوش رسول‌الله (ص) می‌شدند و آن بزرگوار به قدری سجده خود را طولانی می‌فرمود که آنان خسته شده، پایین بیایند. ای کاش ما نیز در رفتار و گفتار خود کودکان را جذب کنیم تا آنان نیز به مذهب علاقه‌مند شوند. در هر حال پدر و مادر باید توجه داشته باشند که اولین الگوهای فرزندان خود هستند و اگر آنان در وظایف دینی خود صادق و جدی باشند، فرزندان خود را نیز می‌توانند مذهبی بار بیاورند.

۲- شرطی شدن پاسخی

منظور از شرطی شدن پاسخی یا کلاسیک این است که اگر مراسم مذهبی همزمان با وقایع خوشایندی برای کودک باشد، کودک ممکن است خودبخود به مسائل مذهبی علاقه‌مند شود، در حالی که اگر مراسم مذهبی با وقایع ناخوشایندی توأم باشد موجب بیزاری کودک از مذهب می‌شود. به دو مثال زیر توجه کنید:

اگر همزمان با اعیاد یا مراسم مذهبی خاصی پدر و مادر کودک را مورد توجه قرار دهند یا برای او هدیه بخرند ممکن است کودک خودبخود به مسائل مذهبی علاقه‌مند شود. حال آنکه اگر کودک را صبح‌ها با تنبیه برای نماز بیدار کنند ممکن است بتدریج از نماز فاصله بگیرد و یا هیچ‌گاه فرد نمازخوانی نشود. به همین دلیل توصیه می‌شود خداوند ابتدا به عنوان مظهر رحمت، برکت و محبت به کودکان معرفی شود. همچنین مراسم مذهبی بویژه اعیاد با شور و هیجان خاصی برای کودکان جلوه‌گر شود و آنان فعالانه در مراسم مذهبی شرکت کنند تا احساس مثبت و خوشایندی در ایشان به وجود آید. مثلاً به کودک بگوییم که خداوند او را دوست دارد و پدر و مادر از داشتن

چنین فرزندی خوشحال هستند.

۳- شرطی شدن عاملی

را یاد گرفت و توانست وضو بگیرد، با او قرار بگذارید که بعد از انجام هر نماز دو رکعتی یک ستاره برای او منظور خواهد شد. بعد از انجام یک نماز دو رکعتی اگر چه بطور کامل نباشد بلافاصله کودک را تشویق کنید و روی جدولی که برای این کار قبلاً در نظر گرفته‌اید یک عدد ستاره منظور کنید. برای او توضیح دهید که دریافت هر ستاره به چه مفهومی است و با به دست آوردن ستاره‌های بیشتر می‌تواند جایزه‌های بزرگتری دریافت کند. هنگامی که کودک نمازخوان بارآمد دیگر نیازی به ستاره نخواهد بود، چرا که او به پاداش خود دست یافته است.

منظور از شرطی شدن عاملی یا وسیله‌ای این است که اگر رفتار مذهبی کودکان همراه با تشویق و پاداش شود به استمرار و تقویت گرایشهای مذهبی آنان می‌انجامد و اگر با بی‌توجهی یا تنبیه همراه شود ممکن است موجب توقف رشد گرایشهای مذهبی در آنان گردد. برای روشنتر شدن موضوع استفاده از جدول امتیازات برای نماز خواندن کودک توضیح داده می‌شود.

نقش عوامل شناختی

نگرش، طرز فکر و بطور کلی عوامل ذهنی یا شناختی همواره در رفتار کودکان نقش مهمی

نماز با استفاده از جدول امتیازات

هنگامی که کودک به سنی رسید که آمادگی انجام فریضه نماز را یافت و حمد و سوره خود





کودکان و نوجوانان بیشتر خواهد بود. روابط اجتماعی خانواده نیز در این زمینه مؤثر است. خانواده‌هایی که با افراد مذهبی رفت و آمد دارند بهتر می‌توانند در تربیت مذهبی فرزندان خود موفق باشند. بنابراین بهتر است والدین به روابط اجتماعی خود توجه کنند.

لزوم هماهنگی

تربیت مذهبی کودک هنگامی تسریع می‌شود که همه کسانی که با کودک سروکار دارند هماهنگ عمل کنند. این هماهنگی در درجه نخست باید از درون خانواده و به توسط پدر و مادر صورت گیرد. هرچه پدر و مادر در تربیت مذهبی فرزندان خود هماهنگ‌تر باشند، رشد گرایشهای مذهبی در کودکان و نوجوانان سریعتر خواهد بود.

هماهنگی بعدی باید میان خانه و مدرسه باشد و سرانجام مطلوبترین نتیجه هنگامی حاصل خواهد شد که خانواده، مدرسه و فرهنگ اجتماعی با یکدیگر هماهنگ باشند و انتظاراتشان از کودک و نوجوانان نیز هماهنگ، واقع‌بینانه و در حد توان کودک یا نوجوان باشد.

را ایفا می‌کند. تا زمانی که کودک فکر می‌کند به خاطر پدر و مادرش نماز می‌خواند شخصیت مذهبی او بطور مطلوب رشد نخواهد کرد. کودک باید بتدریج به این باور یا یقین برسد که مذهب موجب خوشبختی و رستگاری او خواهد شد. برای رسیدن به این باورگاهی زمان لازم است. معمولاً کودکان تا آستانه نوجوانی به چنین باوری دست نمی‌یابند، اما بدون تردید زمینه‌های این اعتقاد در دوران کودکی قرار دارد. بنابراین بهتر است به زبان ساده و در حد فهم و درک او برایش توضیح داده شود که چرا باید نماز بخواند؟ و چرا کودک یا نوجوان باید مسائل مذهبی را رعایت کند؟ بخصوص اگر بتوان برای کودک و نوجوان روشن کرد که مطمئن‌ترین و بهترین تکیه‌گاه برای انسان، خداوند است و چنین تکیه‌گاهی موجب موفقیت انسان می‌شود، کودک تربیت مذهبی خود را راحت‌تر می‌پذیرد.

تولاً و تبرّاً

تولاً و تبرّاً یکی از دستورهای مهم دین مبین اسلام است که مفهوم ساده آن یعنی نزدیک شدن به کسانی که مسائل مذهبی را رعایت می‌کنند و دوری جستن از کسانی که بی‌توجه به مسائل مذهبی هستند. دوستان و همسالان همواره رفتار کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از وظایف اولیاء و مربیان نظارت بر روابط اجتماعی کودکان و نوجوانان است. اگر دوستان و همسالان از تربیت مذهبی برخوردار و متعلق به خانواده‌هایی بازمینه مذهبی باشند، رشد گرایشهای مذهبی در